****

[ادامه بحث شرطیت ذبح در منا 1](#_Toc489695298)

[کلام آیت الله زنجانی 1](#_Toc489695299)

[مناقشه 2](#_Toc489695300)

[کلام محقق خوئی: تاخیر ذبح بخاطر انجام آن در منا 2](#_Toc489695301)

[نقد کلام محقق خوئی 3](#_Toc489695302)

[کلام آیت الله سیستانی 6](#_Toc489695303)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث شرطیت ذبح در منا

به نظر ما در روز عید قربان می شود در کشتارگاه های موجود که در حرم هستند، ذبح انجام گیرد، ادله شرطیت ذبح در منی هم که اطلاقی نداشت که بتواند شامل وضع موجود بشود.

### کلام آیت الله زنجانی

آیت الله زنجانی برای استدلال بر این که ذبح در منی در زمان فعلی لازم نیست، حتی بر کسانی که می­توانند بدون حرج با تاخیر در منی ذبح کنند، فرموده از ادله استفاده کرده ایم شارع حکمی که مستلزم حرج نوعی است، جعل نمی کند، و التزام مومنین در زمان فعلی به ذبح در منی، مستلزم حرج نوعی است.

#### مناقشه

ما بر این مبنا قبلا اشکال کردیم که وجوب ذبح در منی حکمی در اسلام بوده که چندین قرن، حرجی نبوده و شاید بعدا هم مشکل حل شود و مثلا زیرزمین در خود منی بسازند که در آن ذبح انجام گیرد، آیا می­شود کسی که بدون حرج می تواند با تاخیر ذبح را انجام دهد، بر او ذبح در منی به استناد حرج نوعی واجب نباشد؟ این فی غایة الاشکال است.

البته برای استدلال به این که نوبت به صوم نمی رسد و به ذبح در خارج منی نوبت می رسد و علم اجمالی به وجوب ذبح خارج منی یا صوم منحل می شود، با حرج نوعی نمی توانیم مشکل را حل کنیم، زیرا حرجی بودن می گوید ذبح در منی واجب نیست، اما این که بدل آن ذبح در خارج منی است یا صوم، معلوم نمی شود و برای این که علم اجمالی را منحل کنند، باید یکی از سه راه که ما برای اثبات بدلیت ذبح در خارج منی بیان کردیم را اختیار کنند.

### کلام محقق خوئی: تاخیر ذبح بخاطر انجام آن در منا

مطلب دیگر این که محقق خوئی فرموده بر کسانی که متمکن از ذبح در منی بدون حرج هستند، ولو به تاخیر ذبح تا آخر ذی الحجة، تاخیر واجب است.

البته مبنای ایشان این است که اگر کسی عید قربان عاجز از ذبح در منی باشد و شک کند که عذر تا آخر باقی می ماند یا نه، استصحاب استقبالی بقاء عجز به نحو عزیمت (نه رخصت) کند و حلق و تقصیر کند و اعمال مکه را انجام دهد و اگر هم بعدا کشف خلاف شد، فقط قربانی اعاده می شود، به دلیل صحیحه جمیل: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ الْبَيْتَ- قَبْلَ أَنْ يحْلِقَ قَالَ لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاسِياً- ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَاهُ أُنَاسٌ يَوْمَ النَّحْرِ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَذْبَحَ- وَ قَالَ بَعْضُهُمْ حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَرْمِيَ- فَلَمْ يَتْرُكُوا شَيْئاً كَانَ يَنْبَغِي أَنْ يُؤَخِّرُوهُ- إِلَّا قَدَّمُوهُ فَقَالَ لَا حَرَجَ.[[1]](#footnote-1)

و اگر می داند بعدا می تواند در منی ذبح کند، واجب است حلق و تقصیر را در همان روز عید انجام دهد، زیرا در این روز، سه عمل واجب است و وقتی از یکی عاجز است، باید باقی را انجام دهد و با حلق، از احرام خارج می شود، ولی نمی تواند اعمال مکه را انجام دهد، مگر بعد از ذبح به استناد صحیحه محمد بن حمران است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْحَاجِّ (غَيْرِ الْمُتَمَتِّعِ)- يَوْمَ النَّحْرِ مَا يَحِلُّ لَهُ قَالَ كُلُّ شَيْ‌ءٍ إِلَّا النِّسَاءَ- وَ عَنِ الْمُتَمَتِّعِ مَا يَحِلُّ لَهُ يَوْمَ النَّحْرِ- قَالَ كُلُّ شَيْ‌ءٍ إِلَّا النِّسَاءَ وَ الطِّيبَ.[[2]](#footnote-2)

این صحیحه، احلال یوم العید را مفروغ عنه گرفته و معلوم می شود احلال با حلق و تقصیر در یوم العید واجب است.

#### نقد کلام محقق خوئی

اولا: این که فرمود در صورت علم به رفع حرج و عجز از ذبح در منی در روزهای آتی، واجب است در روز عید، حلق یا تقصیر کند، ناتمام است، زیرا صحیحه محمد بن حمران فرض کرده که یوم النحر، اعمال منی را انجام داده و حلق و تقصیر کرده است و می پرسد با اعمال منی، چه چیزی حلال می شود و نمی توان گفت چون حلق، واجب فوری بوده، آن را مفروغ گرفته، بلکه شاید سائل به سبب آسان تر بودن خروج از احرام یوم النحر یا متعارف یا افضل بودن، آن را مفروغ گرفته است.

لذا به نظر ما ذبح و حلق، تا آخر ایام تشریق فرصت دارد و حتی در موردی که ایشان گفت استصحاب استقبالی می شود، باز هم نه ذبح در روز عید و نه حلق در این روز هیچکدام واجب نیست.

ثانیا: بر فرض از روایت استفاده شود که احلال یوم النحر واجب است، اما مشروط به قدرت است و ما بر آن قادر نیستیم، زیرا حلق و تقصیری که بعد از ذبح باشد، سبب احلال است، ترتیب بین ذبح و حلق یا تقصیر، معتبر است و عاجز از ذبح، بر حلق و تقصیر هم قادر نیست، زیرا قرآن فرموده: لاتحلقووا رووسکم حتی یبلغ الهدی محله[[3]](#footnote-3) و گرچه آیه درباره محصور است، اما دو روایت آن را به حج تفسیر کرده است:

معتبره عمار ساباطی: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ حَلَقَ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَ- قَالَ يَذْبَحُ وَ يُعِيدُ الْمُوسَى- لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ- حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ.[[4]](#footnote-4)

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... وَ لَمْ يَكُنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحِلَّ مِنْ أَجْلِ الْهَدْيِ الَّذِي مَعَهُ- إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ- حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ... [[5]](#footnote-5)

البته معتبره ابی بصیر در معنای بلوغ هدی به محل خود توسعه داده و فرموده در صورت اشتراء قربانی و معین کردن آن در مکان ذبح، حلق جایز است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا اشْتَرَيْتَ أُضْحِيَّتَكَ وَ قَمَطْتَهَا فِي جَانِبِ رَحْلِكَ- فَقَدْ بَلَغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَحْلِقَ فَاحْلِقْ.[[6]](#footnote-6)

لذا حلق و تقصیر قبل از تحصیل هدی در مکانی که ذبح در آن واجب است، جایز نیست، لذا محقق خوئی نباید بگوید الاحوط وجوبا، الحلق و التقصیر.

ثالثا: البته گرچه معتبره ابی بصیر توسعه داد و فرموده اگر قربانی بخرد و آن را در منی متمیز کند، می­تواند حلق کند، اما حلق قبل از ذبح، به تنهایی سبب احلال نیست و باید توام با ذبح باشد به دلیل صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا ذَبَحَ الرَّجُلُ وَ حَلَقَ- فَقَدْ أَحَلَّ مِنْ كُلِّ شَيْ‌ءٍ أَحْرَمَ مِنْهُ إِلَّا النِّسَاءَ وَ الطِّيبَ ... [[7]](#footnote-7)

روایت می گوید اگر ذبح و حلق انجام گیرد، آن گاه از احرام خارج می شود.

رابعا: ایشان فرمود با حلق و تقصیر قبل از ذبح از احرام خارج می شود، اما حق طواف و سعی ندارد، اما این هم دلیل ندارد، دلیلی نداریم که واجب باشد طواف و سعی بعد از ذبح انجام گیرد، دلیل می گوید طواف و سعی باید بعد از حلق باشد و نه بعد از ذبح: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي رَجُلٍ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ- فَقَالَ إِنْ كَانَ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ- وَ هُوَ عَالِمٌ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَنْبَغِي لَهُ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَمَ شَاةٍ.[[8]](#footnote-8)

البته آیت الله تبریزی نیز هم نظر با محقق خوئی است و این اشکالات بر ایشان نیز وارد است و لذا به نظر ما الاحوط وجوبا، عدم جواز حلق و تقصیر قبل از ذبح است.

خامسا: روایاتی داریم که ذبح مربوط به ایام تشریق است، پس چگونه ایشان می فرماید تا آخر ذی الحجة فرصت دارد.

### کلام آیت الله سیستانی

آیت الله سیستانی استصحاب استقبالی را قبول ندارد و لذا فرموده باید عند الشک صبر کند و لکن زمان ذبح تا روز سیزدهم است و اگر عجز استمرار پیدا کرد، باید در منی قبل از اتمام روز سیزدهم ذبح را انجام دهد و تاخیر عمدی ذبح به بعد از ایام تشریق، موجب بطلان حج است و تاخیر غیر عمدی آن نیز سبب می شود که دیگر ذبح در منی موضوعیت نداشته باشد، ذبح در منی در ایام تشریق موضوعیت دارد و بعد از ایام تشریق، موضع ذبح، مکه است.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 156؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/156) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 237؛ 14 باب أن غير المتمتع إذا حلق حل له الطيب دون النساء فلا تحل له حتى يطوف طواف النساء و أنه لا يحل للمرأة زوجها حتى تطوف طواف النساء ؛ ج 14، ص : 236](http://lib.eshia.ir/11025/14/237) [↑](#footnote-ref-2)
3. [سوره بقره، آيه 196.](http://lib.eshia.ir/17001/1/30/%DB%8C%D8%A8%D9%84%D8%BA_%D8%A7%D9%84%D9%87%D8%AF%DB%8C) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 158؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/158) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌11؛ 222؛ 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ؛ ج 11، ص : 212](http://lib.eshia.ir/11025/11/222) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 157؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/157) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 232؛ 13 باب أن المتمتع إذا حلق حل له كل ما سوى الطيب و النساء و الصيد و باقي مواضع التحلل ؛ ج 14، ص : 232](http://lib.eshia.ir/11025/14/232) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 238؛ 15 باب حكم من زار البيت قبل الحلق ؛ ج 14، ص : 238](http://lib.eshia.ir/11025/14/238) [↑](#footnote-ref-8)